

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاپی‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

رمزی از کیفیت شهادت حضرت عباس (ع) (۲)

امسال روزی شما نشد که ادامه‌ی بحث دیروز را بگویم. دیروز گفتم که وضو عین ماجرای شهادت حضرت اباالفضل‌العباس (ع) است؛ آنجایی که حضرت، کف آب را بر روی آب می‌ریزند.

وقتی آب را در مشت جمع می‌کنید و جلوی صورت می‌آورید، عکس خود را در آن می‌بینید. این مقام شهود و مشاهده است؛ اما در مراتب بلند کمال نه مشاهده‌ی ظاهری و نه شهود باطنی، هیچ‌یک نباید بماند؛ چون ذات مقدّس حضرت حق که قابل شهود نیست؛ همان‌طور که قابل مشاهده نیست. با چشم ظاهر نمی‌توان ذات حق متعال را دید؛ با چشم باطن اسماء و صفات حق را می‌توان دید؛ اما ذات مقدّس حق متعال با هیچ چشمی دیده نمی‌شود؛ نه با چشم مشاهده که چشم ظاهر است، نه با چشم شهود که چشم باطن است؛ با هیچ‌یک از این دو چشم دیده نمی‌شود. لذا آب را روی آب ریخت؛ یعنی هم از مشاهده و هم از شهود دست می‌شوید. یعنی اینجا دیگر درپی دیدن نیست؛ نه دیدن ظاهری و نه دیدن باطنی؛ چون ذات حق متعال باطناً هم دیده نمی‌شود.

لذا وقتی موسای کلیم (ع) به خدای متعال عرض کرد: رَبِّ ارْنِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ، خدا به موسی (ع) فرمود که با چشم ظاهر نمی‌توانی ببینی؛ فرمود: لَنْ تَرَانِي یا موسی! هرگز مرا نمی‌توانی ببینی! نه با چشم

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۴۳.

ظاهر و نه با چشم باطن! ذات مقدّس حقّ متعال تعینی ندارد که بشود او را دید! متعیّن نیست؛ متشخّص نیست. بله! اسماء و صفات حقّ متعال را می‌توان با چشم باطن دید.

عرض کردیم آنجایی که آب روی آب می‌ریزد، یعنی بساط شهود و مشاهده، هر دو را کنار می‌گذارد؛ پشت سر می‌گذارد؛ دیگر از مرحله‌ای که در پی مشاهده‌ی ظاهری یا شهود باطنی بود، رد شد. بعد گفتیم چه اتفاقی افتاد؟ اوّل حمله کردند و دست راست حضرت را ناجوانمردانه قطع کردند؛ که فرمود: **وَ اللَّهُ إِنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِي، إِنْ أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي، وَ عَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ الْبَقِيْنِ**، بعد دست چپ حضرت را قطع کردند؛ به خودش نهیب زد: **يَا نَفْسُ لَا تَحْشَى مِنَ الْكُفَّارِ، وَ أَبْشِرِي بِرَحْمَةِ الْجَبَّارِ**؛^۲ نهیب زد که ای نفس از کفار نترس! بشارت باد به رحمت خدایی که همه‌ی ضایعات و مصیبات را جبران می‌کند.

دیروز گفتیم دست راست مظهر اقبال، مظهر تأیید، مظهر پذیرش، مظهر گرایش، و مظهر میل است؛ و دست چپ مظهر طرد، نفی و انکار است. و اشاره کردیم که در ابتدای راه توحید، مقام **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** است. مقام **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** هم آلهه را نفی می‌کند، هم الله را تأیید و اثبات می‌کند. این مطالب را دیروز اشاره کردیم و گفتیم در آغاز راه توحید، اصلاً شرط این است که **أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ**؛^۳ هم عبادت و بندگی خدا کنید، و هم از عبادت و بندگی طاغوت پرهیز کنید. **فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى**؛^۴ این مال آغاز راه توحید است؛ آغاز راه ایمان است.

همه‌ی انبیاء تا مقام **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** آمده بودند. درست است؟ اما مقام الله اکبر، مال پیغمبر خاتم **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَى بِهِ السَّلَامُ** است و بس! در مقام الله اکبر غیری نیست که شما آن غیر را نفی کنید و بعد در کنارش خدا را اثبات

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۰۸ و حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب،

تسلیة المجالس و زینة المجالس (مقتل الحسین علیه السلام)، ج ۲، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۳. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۳۶.

۴. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۶.

کنید؛ دیگر در آن مقام گیری نمی بینید؛ این مقام الله اکبر است. مقام الله اکبر بالاتر از مقام **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** است. مقام الله اکبر مال پیغمبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ آنجا گیری نیست. الله اکبر! الله اکبر! خاطر تان هست که قبلاً دو حدیث از اصول کافی خواندم. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از صحابه‌ی خود پرسیدند که وقتی الله اکبر می گویند یعنی چه؟ عرض کرد: یابن رسول الله، یعنی **اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ**؛ خدا از همه چیز بزرگتر است. حضرت فرمودند: آیا وقتی از الله اسم آوردی، چیزی هم وجود دارد که بخواهی با خدا مقایسه کنی بعد بگویی خدا از آن بزرگتر است؟ در مقام توحید گیری وجود ندارد! که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو! در آن مقام گیری نیست که بخواهی آن را نفی کنی و بعد خدا را اثبات کنی. لذا وقتی به مقام الله اکبر رسیدی از مقام نفی و اثبات دیگر عبور کردی. این مقام، مقامی است که خدای متعال به برکت وجود پیغمبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در آن را باز کرد و راهش را به روی سیر تعالی بشر گشود.

پس یمین ایمان است؛ یمین قبول است؛ یمین گرایش و میل است؛ یمین حمایت و دفاع است. یسار چیست؟ یسار طرد و نفی است؛ انکار و کفر است؛ پشت کردن و مقابله کردن است. این دو، جمعش **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** را می سازد؛ این دو، جمعش مقام مؤمن را می سازد. اما وقتی به فضای الله اکبر رفتی، هم یمینت و هم یسارت باید قطع شود؛ یعنی به جایی می رسی که این نفی و اثبات بساطش جمع می شود. لذا دست راست حضرت ابوالفضل عَلَيْهِ السَّلَام و دست چپ حضرت هر دو قطع شد. حالا دیگر گیری نیست؛ اما همین که تو توجه داری که گیری نمی بینی، همین توجه، باز ظهور یک غیر است؛ یعنی «تو» داری می بینی که گیری نیست! پس هنوز تو ماندی! اینجا چه چیزی لازم است؟ لازم است که این بیننده که ادراک می کند گیری نیست، او هم از بین برود. لذا اینجا است که گرز آهنین می آید؛

۵. برقی، محاسن، ج ۱، ص ۲۴۱؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۱۸ و صدوق، توحید، ص ۳۱۳.

عمود آهنی می آید و آخرین منزل را هم طی می کند و اینجاست که حضرت ابوالفضل علیه السلام از روی اسب بر زمین می افتند.

گفتیم این وضویی که ما برای نماز می گیریم، همین است. شما در وضو آب روی صورتتان می ریزید، یعنی وجه خود را از توجّه به هرچه غیر خداست پاک کردی! این همان مقام است؛ قدم اول! بعد دست راست را می شویی؛ یعنی دست راست را قطع کردی؛ بعد دست چپت را می شویی؛ یعنی دست چپت هم قطع شد؛ بعد مسح می کنی؛ یعنی عمود آهن آمد بر سرت؛ بعد خم می شوی و مسح پا می کنی؛ یعنی از اسب افتادی؛ یعنی یک وضو سیر کامل تعالی است که ابوالفضل العباس علیه السلام با تصرف ولایتی اباعبدالله علیه السلام طی کردند و به مقامی رسیدند که **يَغِيْطُهُ [بِهَا] جَمِيْعُ الشُّهَدَاءِ**:^۶ همه‌ی شهدا غبطه می خورند! حتّی همه‌ی انبیائی که شهید شدند و همه‌ی اولیائی که شهید شدند به مقام ابوالفضل العباس علیه السلام غبطه می خورند.

همان طور که در نماز، سیر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله را طی می کنید که **الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ**،^۷ در وضو هم سیر ابوالفضل العباس علیه السلام را طی می کنید.

این را دیروز گفتم و وعده کردم که امروز نماز را بگویم که آن سیر خود اباعبدالله الحسین علیه السلام است. اما امسال قسمتتان نشد! تا سال آینده که اگر خدا عمری داد و روز عاشورا در خدمتتان بودیم؛ چون این سیر نماز مال روز عاشوراست؛ همان طور که دیروز بحث روز تاسوعا بود که خدا عنایت کرد و پرده از وضو برداشت و در نقش ابوالفضل العباس علیه السلام سیر کردن و وضو گرفتن را نشان داد. ان شاء الله نماز را هم اگر خداوند عمری داد و عنایتی کرد و توفیقی داد و اگر سال دیگر ما توفیق داشتیم در جمع

۶. صدوق، امالی، ۴۶۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۷۴ و ابن حیون، شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۹۳.

۷. مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۳۳۱؛ مجلسی، محمدتقی، روضة المتّقین، ج ۲، ص ۶ و محدّث قمی، سفینة البحار، ج ۲، ص ۲۶۸.

نورانی شما باشیم، ان شاء الله اگر خدای متعال اذن دهد راجع به نماز هم نکته‌ای را خدمت دوستان عرض می‌کنیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ